



ابهام سند؛ بهانه بی‌مهری به روایات/ رویکرد تقریبی «التفسیر الاثری الجامع»

متأسفانه به بهانه ابهام سند و وجود اسرائیلیات در بین روایات، به خصوص در تفسیر به روایات بی‌مهری شده است، اما کتاب «التفسیر الاثری الجامع» به قلم آیت‌الله معرفت مملو از احادیثی متعلق به اهل سنت است ...

متأسفانه به بهانه ابهام سند و وجود اسرائیلیات در بین روایات، به خصوص در تفسیر به روایات بی‌مهری شده است، اما کتاب «؛التفسیر الاثری الجامع» به قلم آیت‌الله معرفت مملو از احادیثی متعلق به اهل سنت است و در لابه‌لای این‌ها روایات شیعی را هم ببیند که مذاهب غیرشیعی را با معارف شیعه آشنا می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمدحسن آیت، استاد حوزه علمیه در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به بیان مطالبی در خصوص برخورد با احادیث با محوریت «؛التفسیر الاثری الجامع» پرداخت و اظهار کرد: در طول تاریخ نسبت به روایات بی‌مهری زیادی شده است و به بهانه این‌که این روایات معلوم نیست که سندش صحیح است یا غیرصحیح و در بین روایات اسرائیلیات زیاد است، متأسفانه در تمام حوزه‌های علوم اسلامی به روایات بی‌مهری شده است؛ از جمله در تفسیر قرآن اگر در افواه عمومی جامعه هم بررسی کنید، می‌بینید که غالباً سخن مردم این است که نمی‌شود به روایات استناد کرد و اصل را بر عدم صحت روایات می‌گذارند.

آیت افزود: در مورد این مسئله دو دیدگاه وجود دارد؛ یک وقت شما می‌گویید این روایت صحیح است «؛الا ما خرج بالدلیل؛ مگر این‌که دلیل بر رد داشته باشیم»، اما گاهی می‌گویید روایت صحیح نیست «؛الا ما خرج بالدلیل؛ الا این‌که روایت صحیح باشد». متأسفانه غالباً با دیدگاه دوم برخورد می‌کنیم؛ یعنی می‌گویند روایات صحیح نیست مگر این‌که ما دلیلی بر صحت آن داشته باشیم. حتی سند را هم بیشتر توجه می‌کنند و در این وسط به روایاتی هم که سند دارد و معتبر هست نیز شک می‌کنند و البته به نظر می‌رسد که این فریبی از طرف شیطان و بخشی از وسوسه‌های شیاطین است که نمی‌خواهند آثار اهل بیت (ع) در بین مردم باشد.

این استاد حوزه علمیه با ذکر مثالی اضافه کرد: به عنوان نمونه باید بگوییم که بروید تحقیق کنید که اعتبار کتاب شریف «؛بحارالانوار» چقدر است. همان‌طور که گفته شد ما فقط در تفسیر روایی این مشکل را نداریم. در بسیاری از جاهای دیگر این مشکل را داریم که مردم با کتب روایی خوب برخورد نمی‌کنند، حتی در سطح افراد تحصیل کرده می‌بینید که اکثر مردم پیامشان این است که ما شنیده‌ایم که علامه مجلسی کتاب «؛بحارالانوار» را جمع‌آوری کرده است و حدیث صحیح و غیرصحیح همه را جمع کرده است و ایشان فرموده است که علمای بعد از من ان‌شاءالله می‌آیند و این احادیث را مرتب و منقح می‌کنند و او می‌خواسته است روایات از هم نپاشد. بعضی نیز تعابیری از علامه مجلسی نقل می‌کنند مثل این‌که من مثل ماهیگیری بودم که تور بر دریا انداختم و همه‌چیزی در تور من آمد و ... خلاصه تعابیر مختلف است.

آیت افزود: ببینید کسی که ادعا می‌کند من به خاطر این‌که روایات «؛بحارالانوار» سندش ضعیف است و «؛علامه مجلسی» این حرف را زده است، پس خیلی به کتب روایی و روایات اعتماد نمی‌کنم و بیشتر دنبال دلیل عقلی هستم، از ایشان سوال می‌کنیم شما که آن قدر سند برایتان معتبر است، سند همین حرف کجا است؟ در نتیجه شما می‌بینید که گویندگان این سخن از پاسخ درمی‌مانند، چون اصلاً چنین کلامی از دهان علامه مجلسی خارج نشده است و اتفاقاً برعکس این قضیه، علامه مجلسی در سند کتاب «؛بحارالانوار» در همان مقدمه کتاب خود مطالبی را درج می‌کند و بعد مردم را دعوت می‌کند که ببایید به سوی این کتاب «؛خذوها بایده الاذعان و الیقین وتمسکوا بها واثقین و لاتکونوا من الذین یقولون بافواههم مالایکون فی قلوبهم؛ بگیریید این کتاب را با دست یقین و تمسک بجویید به این کتب با اطمینان و از کسانی نباشید که حرفی می‌زنند که در دلشان نیست».

وی با اشاره به کنایه‌های علامه مجلسی به مخالفین، اظهار کرد: علامه ضمن بیان این قبیل کنایه‌ها، دوباره می‌گوید: «؛و یا بشری لکم ثم بشری لکم اخوانی بکتاب جامع المقاصد طریفه الفوائد لم تاتی الدهور مثلاً حسناً و بهائاً؛ برادرانم بشارت باد بر شما!

من کتابی را به شما معرفی می‌کنم که روزگار مثل این کتاب را در حسن و ارزش به خود ندیده است». علامه مجلسی اسم این کتاب را «بحارالانوار الجامعه الدرر اخبار ائمه الاطهار» می‌گذارد و می‌گوید من دُرّها را جمع کردم. کجا می‌شود چنین تناقضی در کلام علامه مجلسی به وجود بیاید که نام کتاب را بگذارد «دُرّهای اخبار» و سپس بگوید من هرچه بوده است، جمع کرده‌ام.

وی ادامه داد: متأسفانه مقدمه بحارالانوار را هیچ‌کس ندیده است، ولی از آن سو این نظر شایع است که علامه مجلسی همه احادیث را جمع کرده است و معلوم نیست صحت این روایات چیست. وقتی متوجه بی‌مهری و عدم توجه خیلی از افراد را به روایات می‌شویم، ارزش «التفسیر الاثری الجامع» تالیف آیت‌الله معرفت بر ما معلوم می‌شود. من يك بار از ایشان سوال کردم که شما روایات را که جمع کردید، سند را چکار کردید؟ ایشان يك نگاهی به من کردند و فرمودند اگر بخواهم این کار را انجام بدهم، یعنی برخورد عوامانه با حدیث داشته باشم، دیگر چیزی از احادیث باقی نخواهد ماند؛ در این صورت ما می‌مانیم و قرآن.

آیت ادامه داد: به قولی که پیامبر(ص) فرمود: «انی تارك فيکم الثقّلین کتاب الله و عترتی؛ من دو ثقل در میان شما می‌گذارم؛ کتاب خدا و عترتم. این عبارت یعنی چه؟ ثقل اول که قرآن است، اهل بیت کجا است؟ نمی‌گویم تمام روایات صحیح است، بیان من این است که ما به این راحتی دست از روایات بر نداریم و اتفاقاً بیان خود آیت‌الله معرفت هم همین بود که آن‌هایی که در حوزه علمیه و در علم و معارف الهی استخوانی خورد کرده‌اند، به این راحتی دست از روایات بر نمی‌دارند.

وی افزود: مطلب دوم این است که آیت‌الله معرفت هم نظرشان بر این بود که این تفسیر تفسیری باشد که همان‌طوری که «التفسیر الاثری الجامع» است و عنوان ندارد که مثلاً از پیامبر(ص) است یا اهل بیت(ع)، اتفاقاً این بیان خود آیت‌الله معرفت بود که من روایاتی را که اهل سنت و بعضی روایات خاصه شیعه را لابه لای روایات اهل سنت آورده‌ام، به خاطر این‌که روایات این کتاب تفسیر برای شیعه و سنی باشد؛ این دیدگاه خیلی دیدگاه جمعی و بلندی است که من يك کتاب برای يك قشر خاص ننویسم، بلکه کتابی بنویسم که اهل سنت هم از آن بهره ببرند.

آیت همچنین اظهار کرد: این رویکرد آیت‌الله معرفت باعث شده است که وقتی عالمی سنی دست به این کتاب می‌برد، نگوید ایشان از علمای متعصب شیعی بوده است و کتابی نوشته است که فقط می‌خواسته است که برای شیعه نافع باشد و حتی گاهی بعضی موارد مستقیماً و مستحکم عقاید و مبانی اهل سنت را کوبیده است. ایشان می‌گفت من کتاب را طوری نوشتم که حتی در بعضی از مواضع روایاتی که در منابع خود اهل سنت هست، این‌ها را هم بیاورم و در کنار آن روایات شیعه را هم بیاورم که به بهانه این‌که يك محقق سنی می‌خواهد روایاتی را که متعلق به کتاب‌های خودشان است، در این کتاب ببیند.

وی افزود: چون این کتاب مملو از احادیثی است که متعلق خود اهل سنت است، وقتی که اهل سنت این را می‌بینند و در لابه‌لای روایات متعلق به مذهب خود، روایات شیعی را هم ببینند، اثر این کار این است که اگر شخص استاد باشد و دقت فکری داشته باشد، وقتی که چشمش با روایات شیعه آشنا می‌شود، در صورتی که چه بسا ممکن است به خاطر تعصب حاضر نباشد کتب شیعی را بخواند، اما به واسطه این کتاب که روایات خود اهل سنت هم در آن وجود دارد، حاضر به خواندن آن می‌شود. لذا این روایات به دستش می‌رسد و آرام آرام در فکر او اثر می‌گذارد و می‌گوید اگر آن روایت نقل شده است، این روایت هم نقل شده است و وقتی می‌خواهد برآیند جمع روایات شیعه و سنی را نتیجه بگیرد، در بسیاری از موارد نتیجه‌ای جز این‌که نظر شیعه را تأیید کند، راهی نخواهد داشت.